

نکات مرحوم مجاهد پیرامون حقیقت و مجاز

قبل از استعمال، لفظ به «حقیقت یا مجاز» بودن متصف نمی شود

استعمال اعلام **شخصیه** در معنای خودشان، نه حقیقت است و نه مجاز

چراکه: واضع آنها، واضع لغت نبوده = پس حقیقت نیست

مناسبتی بین معنای لغوی با معنای علم نبوده = پس مجاز نیست

غزالی این استعمال ها را «مجاز» می داند

که ظاهراً به خاطر آن است که اینها اکثراً منقول هستند

کلام تفتازانی در بیان نظریه «سکاکي»

سکاکي می گوید : «استعاره» مجاز **عقلی** است

به این معنی که در استعاره، ما در لغت تصرف نمی کنیم
بلکه در امر عقلی تصرف می کنیم

به این صورت که اطلاق «اسد» بر «رجل شجاع» پس از این ادعاست که :
رجل شجاع، فردی از افراد جنس اسد است

تکمله آقای فاضل بر نظریه «سکاکي»

اشکال : عدم تصور مصداق ادعایی برای اعلام شخصیه
زیرا اعلام شخصیه برای معنای کلی وضع نشده اند تا بتوان برای آنها مصداقی ادعایی درست کرد

جواب : جایگزینی «فردیت ادعائیه» به جای «عینیت ادعائیه»
یعنی به «زید» که در سخاوت به حدّ بالایی رسیده، «حاتم» را اطلاق می کنیم
چراکه ادعا می کنیم «زید، همان حاتم است»

۹۱ / ۷ / ۲

جلسه ۳

حقیقت و مجاز

یکشنبه

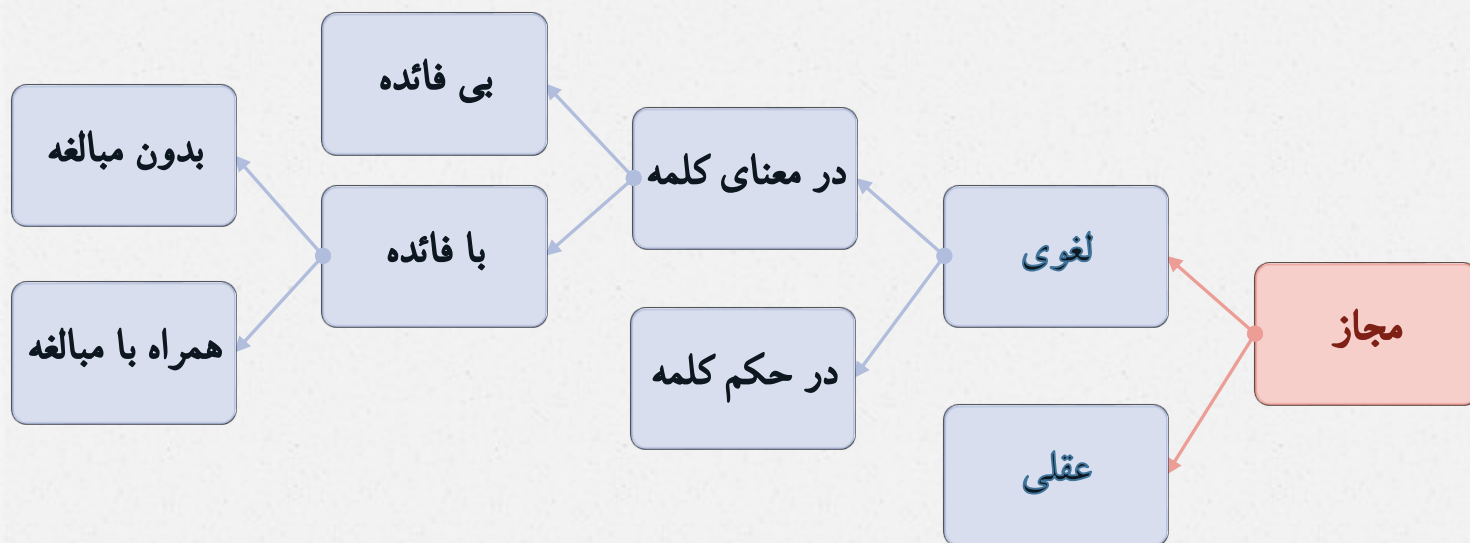
سال سوم

بررسی یک نسبت تاریخی

سؤال :

آیا «مجاز عقلی» واقعا از آن سکاکی است؟

کلام سکاکی در مفتاح العلوم



کلام سکاکی :

تعریف قسم اول : «مجاز لغوی در معنای کلمه و بی فائده»

تعریف : کلمه ای که برای یک معنای مقید وضع شده است، به سبب قرینه در همان معنا ولی بدون قید، استعمال شود

مثال : «مَرَسین» که به معنای «دماغ چهار پایی که به آن طناب بسته اند» می باشد
اگر به قرینه استعمال شود در معنای «دماغ»؛

سکاکی این قسم را بی فائده بر می شمارد به این سبب که :
به جای یک لغت دیگر که مترادف با آن معنای مجازی است، به کار رفته و نکته ای ندارد

کلام سکاکی :

تعریف قسم دوم : «مجاز لغوی در کلمه + به همراه فائده + بدون مبالغه در تشبیه»

تعریف : کلمه از معنای اصلی اش به کمک قرینه تجاوز کرده و به سبب علقه ای که با معنای جدید دارد در آن معنا استعمال شود

مثال اول : «ید» را به کار می بریم و از آن «نعمت» اراده می کنیم
چون نعمت از دست صادر می شود، در معنای نعمت استعمال می شود

مثال دوم : همین کلمه «ید» را در قوت یا قدرت استعمال می کنیم
چراکه اکثراً قدرت از دست صادر می شود

کلام سکاکی

تعریف قسم دوم : «مجاز لغوی در کلمه + به همراه فائده + بدون مبالغه در تشبیه»

تعریف : کلمه از معنای اصلی اش به کمک قرینه تجاوز کرده و به سبب علقه ای که با معنای جدید دارد در آن معنا استعمال شود

مثال : «ید» را به کار می بریم و از آن «نعمت» اراده می کنیم
چون نعمت از دست صادر می شود، در معنای نعمت استعمال می شود

اینکه این نوع مجاز، مفید است به این سبب است که:
این استعمال، متضمن نوعی شاهد است بر آنچه اراده کرده ایم

کلام سکاکی

تعریف قسم سوم : «استعاره»

تعریف : یکی از طرفین تشبیه (زید و اسد) را ذکر می کنیم و طرف دیگر را اراده می کنیم به همراه این ادعا که : مشبه فردی از افراد «مشبه به» است.
برای این ادعا یکی از چیزهایی که اختصاص به مشبه به دارد را برای مشبه ثابت می کنیم

مثال : «اسدٌ فی الحمام» در این صورت ادعا می کنیم «رجل شجاع» از جنس شیر است در این نوع، تشبیه را ذکر نمی کنیم بلکه فقط مشبه به را ذکر می کنیم

وجه تسمیه : این نوع از مجاز را استعاره می گویند چراکه : با معنای لغوی استعاره (عاریه گرفتن) تناسب دارد

کلام سکاکی

تعریف قسم چهارم : «مجاز لغوی در حکم کلمه»

تعریف : کلمه از نقشی که در کلام دارد به نقش دیگری منتقل می شود

مثال : «جاء ربک» ← «جاء امر ربک»

کلمه ربک در اصل «مضاف الیه و مجرور» ولی به حکم «رفع و فاعلیت» منتقل شده است.

ملاک این مجاز: اگر کلمه ای به سبب حذف کلمه ای دیگر که باید در معنای جمله لحاظ شود و یا به سبب وجود کلمه ای دیگر که معنای جمله از آن بی نیاز است، اعرابی دیگر یافت

حکم این قسم : از دیدگاه من، این نوع، ملحق به مجاز است

چراکه در این قسم هم از اصل به غیر اصل تجاوز و انتقال حاصل شده است

کلام سکاکی

تعریف قسم پنجم: «مجاز عقلی»

تعریف: کلام دارای مفادی باشد که با اعتقاد متکلم سازگار نیست و لذا نوعی تأویل در آن است

مثال: «أنت الربيع البقل» (در حالیکه گوینده اش مسلمان است)
إنبات که فعل خداوند است به «ربیع» نسبت داده شده است

نکته: در تعریف گفته شده است «اعتقاد متکلم»
برای اینکه اگر کافری که اعتقاد به خدا ندارد، بگوید «أنت الربيع البقل» این کلام، مجاز نیست

نام گذاری متفاوت سایر علمای بیان در قسم سوم و چهارم و پنجم

نام گذاری سایر علمای بیان	نام گذاری سکاکی	قسم
مجاز عقلی	استعاره	سوم
مجاز در حذف و اضافه	مجاز لغوی در حکم کلمه	چهارم
مجاز در اسناد	مجاز عقلی	پنجم